یادداشت

وعده‌های رئیس‌جمهور و صداقت در حکمرانی

محمدهادی جعفرپور . وکیل دادگستری: در کوران تبلیغات انتخاباتی ریاست‌جمهوری، تیم تبلیغاتی و طرفداران هریک از نامزدها سعی داشتند یکی از اوصاف نامزد مورد حمایت خویش را به عنوان وصف منحصربه‌فرد او معرفی و با برجسته‌کردن چنین خصوصیتی درصدد جذب اقبال عمومی به شخص مد نظر بودند. در همین راستا، آنچه همواره به عنوان خصوصیت درخور توجه رئیس‌جمهور منتخب معرفی می‌شد، صداقت و یک‌رنگی ایشان بود که تصاویر متنوع چنین رفتاری با مردم در میتینگ‌های انتخاباتی ایشان منتشر می‌شد. بدون‌شک مدیران ستاد انتخاباتی جناب پزشکیان بر این امر واقف بوده‌اند که قیام به موازین اخلاقی و تکریم مردم یکی از اوصاف حسنه حاکمان در اعمال حاکمیتی و از مباحث تأمل‌برانگیز در شیوه حکمرانی است. این مهم از آن نظر تأمل‌برانگیز است که انسان فی‌الذاته موجودی اخلاق‌گراست که بنابر تعقل و اراده خویش می‌تواند مختارانه درباره رفتارهای خویش اعلام موضع کند. عطف به چنین امری چالش و پرسش اصلی آن است که معیار و ملاک حُسن و قبح رفتار حاکمان با بدنه جامعه چیست؟ آیا حاکم بنابر مصلحت جامعه مجاز به عدول یا نادیده‌گرفتن موازین اخلاقی یا توسل به دروغ برای دفع مفسده احتمالی شناخته می‌شود؟

زمانی که انسان بنابر اراده آزاد و طیب خاطر به سمت‌وسوی خیر و نیکی سوق می‌یابد، عمل او را اخلاقی می‌دانیم. اما چنانچه همین انسان از ترس قدرت یا به طمع تحصیل منفعتی همان رفتار مورد اقبال جامعه را اتخاذ کند، رفتارش اخلاقی تلقی نشده و چنین انسانی را اخلاق‌مدار نمی‌دانند. از طرفی همین انسان در موضع حاکمیت و تصدی حکومت بنابر اصول، سیاست و برنامه‌های خویش را به شکل الزام‌آور و قهری اعمال خواهد کرد. از این منظر، این نظریه مطرح است هرجا که حوزه فعالیت و دخالت حکومت است، اخلاق محلی از اعراب نداشته، اعمال حاکمیت انسان برخاسته از نیت اخلاقی خالصانه نیست. ترکیب دو موضوع سبب ایجاد این چالش می‌شود که اصالت مطلق و بی‌چون‌وچرا به اراده آزاد اخلاقی سبب نفی قوه قهریه و در مقابل تجویز قوه قهریه حکومت در ابعاد مختلف به معنای ازبین‌رفتن امکان عمل اخلاقی افراد است.

با چنین فرضی لازم است خطاهای انسانی را در دو قالب عمده تعریف کرد: اعمال بدی که انجام می‌دهیم و کارهای خوبی که انجام نداده‌ایم. اینکه گفته شد قوه تعقل بشر اغلب سبب زایل‌شدن شرایط متعارف روحی اوست، مؤید این نکته است که انسان برای بی‌تفاوت‌بودن درباره وقایع و اخبار روز عمدتا نیرویی صرف نکرده و از تعقل و تفکر کمتری بهره‌کشی می‌کند. به عبارتی، در عالم بی‌تفاوتی خرد جایگاه کمی دارد، اما برای اتخاذ رفتاری حتی زشت و ناپسند با نیتی آگاهانه زحمتی را به جان می‌خرد که همان حقه‌بازی و مقدمه دروغ و فریب و مستلزم طراحی نقشه‌ای ظریف است تا مخاطب قلب حقیقت متوجه وارونه‌شدن حقیقت نشود. بهترین مثال چنین کنش و واکنشی را می‌توان در این تعبیر دید که غالب انسان‌ها نگفتن حقیقت یا به عبارتی پنهان‌کاری (انجام‌ندادن کار یا حرف‌نزدن) را در قیاس با دروغ‌گویی بهتر می‌دانند. کانت معتقد است دروغ‌گفتن در هر حالتی امری است زشت و ناپسند، حتی اگر آن دروغ برای پیشگیری از وقوع یک قتل باشد. باور کانت به عنوان یک فیلسوف فقط مورد اقبال اشخاصی قرار گرفته که به قطع و یقین صلح‌دوست و آرامش‌طلب هستند؛ چراکه روح و روان انسان دروغ‌گو مدام درگیر حسابرسی دروغ‌هایش است تا مبادا دستش برای دیگری رو شود! عبارتِ «دروغ، دروغ می‌آورد»، بهترین دلیل برای درگیری ذهنی فرد دروغ‌گوست؛ برخلاف راست‌گویی که بنابر آموزه‌های دینی و اخلاقی رهایی را ارمغان می‌آورد (راستی و رستگاری). دروغ‌های بزرگی که در تاریخ بشر ماندگار شده‌اند، بهترین مثال برای زایل‌شدن حس آرامش انسان‌ها در ابعاد گسترده‌ای در کنار از بین رفتن اعتماد آنها است که نقطه اشتراک غالب این دروغ‌ها از سوی حاکمان و زورگویان بیان شده. به عبارتی دروغ بهانه‌ای بوده برای حکمرانی و زورگویی ایشان! با چنین وصفی از ضرورت رعایت اخلاق در شیوه حکمرانی و نظر به وعده‌های رئیس‌جمهور منتخب در کارزار انتخابات ریاست‌جمهوری و گذشت بیش از ۱۰۰ روز از آغاز دولت چهاردهم، این موضوع اساسی مطرح است که مدیران ستاد انتخاباتی ایشان و قاطبه افرادی که بارزترین خصلت دکتر پزشکیان را صداقت و یک‌رنگی او می‌دانستند، لازم است شفاف و روشن گزارشی از عملکرد و تلاش ایشان در دفع چالش‌هایی که پیش از تصدی دولت چهاردهم در کف جامعه دیده می‌شد، به مردم ارائه شود.

چرا در اجرای سیاست ضعیفیم؟

ادامه از صفحه اول

اگر واقعا کسی کار بزرگی برای کشور کرد و نتیجه آن چشمگیر بود، بلافاصله باید پاداش لازم را با ابزارهای گوناگون به او بدهید و به همگان نشان دهید که چرا چنین پاداش بزرگی به او داده‌اید. این پاداش‌ها را گرفتار فرایندهای پیچیده آیین‌نامه‌های اعطای نشان نکنید. صریحا و به تشخیص خود، یا به تأیید گروهی اندک از معتمدان، اعلام کنید که در ازای چه کار بزرگی و دربرابر چه سود درخور توجهی برای مردم، چقدر به او پاداش داده‌اید. چنین کاری انگیزه‌ها را افزایش می‌دهد. مدیرانی را می‌شناسم که با تدابیری چند هزار میلیارد تومان برای دولت و برای مردم صرفه‌جویی کردند، اما حتی نامی از آنان برده نشد.

۶- انتخاب مدیران را از تصلب استعلام‌های جناحی-سیاسی-امنیتی برهانید. بند سیاست، مدیر آزاده برنمی‌آورد. «سرمایه قدرت ملی» را از طریق فراهم‌آوردن زمینه برای رشد مدیران قدرتمند ایجاد کنیم تا سیاست‌ها با استحکامی درخور، اجرائی شود.

خشونت خانگی در سایه فقدان قوانین حمایت‌گر

سعیده مختارزاده
پژوهشگر حقوق بشر

به‌جای تأکید بر مجازات اعدام، بر قوانین برابری جنسیتی در وضعیت ازدواج و طلاق و فرایندهای حمایتی از زنان و دختران در معرض خطر یا خشونت‌دیده تأکید کنیم.

اخبار هفته گذشته همراه با رسانه‌ای‌شدن خبر چند خودکشی دردناک و کشته‌شدن و قربانی خشونت خانگی شدن چند زن و کودک در شهرهای مختلف ایران بود. یکی از این زنان، نام آشناتری در رسانه‌ها داشت و بسیاری را در بهت و ناباوری با سؤالاتی جدی روبه‌رو کرد. منصوره قدیری‌جاوید، یکی از صدها زنی است که در ایران هر سال قربانی خشونت خانوادگی (Domestic violence) یا آزار خانگی (Domestic abuse) می‌شوند. اگرچه این جنایت دردناک به این دلیل که نسبت به زنی شاغل، ظاهرا مستقل و فعال رسانه‌ای اعمال شد، بخشی از جامعه را به واکنش واداشت و سؤالات بسیاری را ایجاد کرد. اما بسیار زنان و دخترانی هستند که در سایه تبعیض‌ها و محرومیت‌های چندلایه، بر اثر شدیدترین خشونت‌های خانگی در نهاد خانواده جان می‌دهند ولی حتی نامی در رسانه‌ها ندارند. بخشی از این خشونت‌های مبتنی‌بر جنسیت، برمبنای عرف و سنت‌های متعصبانه در دسته قتل‌های برای شرف (قتل‌های ناموسی) قرار می‌گیرند، اما جنایت‌های بسیاری ریشه‌های ناموسی ندارند و صرفا به دلیل نادیده‌گرفتن اهمیت برابری و توانمندی زنان در خانواده و اجتماع، مکرر قربانی می‌گیرند. آنچه این روزها بسیار به آن پرداخته شد، مربوط به نابرابری جنسیتی زنان و مردان در قوانین کیفری و ناکارآمدی فرایند اعمال قانون مجازات فعلی در شرایطی که قاتل یک فرد مذکر و مقتول یک فرد مؤنث باشد، است. موضوع تفاوت دیه زن و مرد و لزوم پرداخت تفاضل دیه قاتل از سوی اولیای دم برای اجرای مجازات، اگرچه بسیار مهم و بحث‌برانگیز است، اما تنها دلیل بی‌کیفرمانی و تکرار این جنایت‌ها در کشور ما نیست. به عنوان یک زن که در همین جامعه زیسته و یک حقوق‌خوانده است، به دلایل متعدد مجازات اعدام را دارای ویژگی بازدارندگی نمی‌دانم و البته تخصصی در حقوق کیفری ندارم تا در این مقاله کوتاه به جزئیات این بحث وارد شوم. بنابراین، قصد دارم توجه شما را به امر مهم «پیشگیری»، «حمایت» و «حفاظت» و مسئولیت نهادهای رسمی در کنار عرف و عموم جامعه در کاهش این اتفاق‌ها جلب کنم.

خلأ قانون‌های حمایت از افراد در معرض خطر یا خشونت‌دیده

اگرچه کاهش خشونت خانگی علاوه‌بر تصویب قوانین به تغییرات فرهنگی و عرفی نیاز دارد، اما وجود قوانین خاص که با هدف پیشگیری و مقابله با خشونت خانگی، حمایت از قربانیان و مجازات مرتکبان خشونت نسبت به اعضای خانواده تنظیم و تصویب شده باشد، برای مقابله با انواع خشونت‌ها ضروری خواهد بود. ازاین‌رو، در دهه‌های اخیر بسیاری از کشورها که عضو کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در این زمینه از جمله «کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض علیه زنان»، «کنوانسیون اروپایی (استانبول) درباره پیشگیری و مقابله با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی» و «کنوانسیون بین آمریکایی درباره پیشگیری، مجازات و محو خشونت علیه زنان» هستند، در سطح ملی نیز برای مقابله با خشونت‌های خانگی یا به طور خاص محو انواع خشونت علیه زنان قوانینی تصویب کرده‌اند تا سه رکن مهم برابری جنسیتی، حق بر دسترسی به عدالت و درخواست غرامت مناسب و دسترسی به حمایت‌های رایگان و مناسب افراد در شرایط آسیب را فراهم کنند. مطابق این قوانین، ضمن تعریف انواع و روش‌های اعمال خشونت نسبت به اعضای خانواده که فارغ از سن و جنسیت در نظر گرفته می‌شود، مسئولیت و تکالیف همه نهادها مانند پلیس، نهادهای مشورتی عمومی و حتی شاهدان به جزئیات مشخص می‌شود. لازم به ذکر است جمهوری اسلامی ایران، عضو کنوانسیون جهانی رفع تبعیض علیه زنان نیست و از جمله دولت‌هایی است که در منطقه خاورمیانه و آفریقا هستند و هیچ قانون خاصی درباره مقابله با خشونت خانگی ندارند. علاوه‌بر اقدامات آموزشی برای تغییرات فرهنگی و توانمندی افراد آسیب‌پذیر در نهاد خانواده مکملی برای اجرای بهتر قوانین خواهد بود. آموزش عمومی در رسانه‌های جمعی، محیط‌های خدماتی مثل مراکز بهداشت و درمان و محیط‌های آموزشی مثل مدرسه کمک می‌کند هر شخصی، حتی یک کودک بتواند در مواقع لزوم از این خدمات استفاده کرده و درخواست کمک کند. در این شرایط، پزشک، مربی و معلم مدرسه، همسایه و همه افرادی که ممکن است با یک فرد در معرض خطر یا آسیب‌دیده مواجه باشند، مسئولیت دارند تا موضوع را به نهادهای حمایتی خانواده گزارش کنند؛ چراکه حتی اگر قانونی وجود داشته باشد اما آگاهی کافی درباره نحوه درخواست کمک و امکانات حمایتی وجود نداشته باشد، تأثیری در واقعیت و کاهش آسیب‌ها نخواهد داشت. وقتی این خطوط را می‌نویسم به مهسا گلستانی، کودک ۱۱ساله، دختر فرزندخوانده‌ای فکر می‌کنم که در خانه آن‌قدر تحت شکنجه‌های جسمی و روانی قرار گرفت که کشته شد. این کودک یکی از هزاران کودک بدسرپرستی است که در معرض خشونت‌های جدی یا حتی غفلت والدین هستند. کافی‌نبودن و ناکارآمدی نهادهای محدود و معدود در ایران، اعم از بهزیستی تا انجمن‌های مردم‌نهاد، در این زمینه بارز و بی‌نیاز از توضیح است. این جنایت‌ها و این نام‌ها که خیلی زود به فراموشی سپرده می‌شوند و مرتکبانی که اغلب به دلیل شرایط فرهنگی خانواده یا نقص قوانین مجازات ما، کیفر متناسبی با جنایت قتل فرزند یا همسر خود نمی‌بینند، اهمیت تصویب قوانین خاص و متناسب در این زمینه و همچنین اثر فقدان این فرایندهای حمایتگرانه ضروری در کشور ما را نشان می‌دهند.

مهم‌ترین اولویت‌ها در این زمینه چیست؟

- در یک نگاه کلی و ساده‌سازی‌شده، این قوانین و مکانیسم‌ها چطور به کار می‌آیند؟ هر فرد در معرض خشونت می‌تواند با شماره‌های اضطراری (hotlines) تماس گرفته و درخواست مشورت و کمک داشته باشد. همچنین فرد در معرض خطر (تأکید می‌کنم در معرض خطر و نه صرفا فرد خشونت‌دیده) می‌تواند با تماس تلفنی یا حضوری از پلیس درخواست اقدامات حفاظتی و پیشگیرانه کند. در این شرایط، در یک اقدام اولیه و موقت، پلیس تا روشن‌شدن همه جوانب شکایت و تصمیم دادگاه، ارتباط فرد عامل خشونت و در معرض خشونت قطع می‌شود. در صورت لزوم، زن یا کودک در معرض خطر به مکان دیگر قابل اعتماد یا به خانه‌های امن دولتی یا مردم‌نهاد منتقل می‌شود. درواقع بخشی از خدمات شهرداری‌ها به فراهم‌کردن این امکانات مرتبط می‌شود. در این شرایط، ارتباط مجدد مرتکب خشونت با فرد آسیب‌دیده یا مورد حمایت، موجب تشدید مجازات خواهد بود.

- تا حد امکان سعی می‌شود حتی در صورتی که تمایلی به مداخله پلیس نیست، با آگاهی‌رسانی و ارجاع فرد به مشاوره‌های تخصصی حقوقی و روان‌شناسی، ضمن انتقال آگاهی از حقوق فرد، جرئت تصمیم‌گرفتن و دورشدن از محیط خشونت‌زا در فرد تقویت شود. اقدامات حمایتی، به دلیل شرایط خاص کودکان بسیار سخت‌گیرانه‌تر و جدی‌تر پیگیری می‌شود. به دلیل وجود قوانین و نهادهای دولتی حمایتگر، ثبت شکایت و دریافت حمایت و حفاظت در مقابل اعضای خانواده خشونت‌گر امکان‌پذیر و تسهیل‌گر تصمیم فرد در معرض خطر برای ترک موقعیت خشونت‌زا در درون خانواده است.

- با وجود این، خشونت خانگی در همه فرهنگ‌ها و کشورهای دارای قوانین حمایتی نیز به گونه‌های مختلف رخ می‌دهد. باید توجه داشت خشونت فقط به موارد جسمی و جنسی محدود نیست و شامل خشونت‌های روانی، اقتصادی، کلامی و رفتاری نیز هست. به دلیل وجود تعریف انواع اقدامات خشونت‌آمیز و مشخص‌کردن مصادیق جزئی رفتاری و کلامی در بسیاری از کشورها، رفتارهای خاص مثل کنترل‌گری، وابستگی افراطی اقتصادی و جلوگیری از اشتغال فرد و خشونت کلامی نیز در آمار خشونت خانگی لحاظ می‌شود. بنابراین افرادی که برای نادیده‌گرفتن وضعیت بحرانی خشونت خانگی در ایران از آمار بالای اعلام‌شده از سوی دولت‌های عضو اتحادیه اروپا برای مقایسه منفی استفاده می‌کنند، باید بدانند که آن آمارها اولا نشان‌دهنده وجود فرایندهای حمایتی و ثبت آمار وقوع خشونت است و دوما بیانگر همه انواع خفیف تا شدید خشونت است. در شرایطی که در کشور انواع شدید خشونت از جمله قتل خانگی و قتل برای شرف به طور خاص مورد توجه قانون‌گذار و سیاست‌گذار نیست، چنین مقایسه‌ای بی‌اساس است.

جمع‌بندی

در کشور ما و شرایطی که ۱. آمار خشونت خانگی محرمانه، غیرواقعی و محدود به آمار موارد ارجاع داده‌شده به پزشکی قانونی است، ۲. هنوز لایحه حمایت از زنان علی‌رغم چند بار تغییر نام و تغییرات محتوایی جدی در مجلس شورای اسلامی تصویب نشده و ۳. جمهوری اسلامی ایران یکی از شش کشوری در دنیاست که به کنوانسیون جهانی رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان نپیوسته است، مطالبات اساسی و نادیده گرفته‌شده زنان مانند ایجاد یک مجموعه کامل از قوانین و اقدامات حمایتی، از جمله مکانیسم‌های آگاهی‌رسانی و پیشگیری و حمایت از افراد در معرض خطر و خشونت‌دیده، همچنان یکی از مهم‌ترین بحث‌هایی است که باید در شرایطی که چنین جنایت‌هایی وجدان عمومی جامعه را به لرزه درمی‌آورد، مطرح شود. روز جهانی رفع خشونت علیه زنان (۲۵ نوامبر/۴ آذر) هرساله فرصتی است برای یادآوری وظیفه عمومی و فردی در هر جامعه‌ای برای بی‌تفاوت‌نبودن و سکوت‌نکردن در مقابل خشونت‌های جنسی و مبتنی‌بر جنسیت علیه زنان و دختران.

یک افشاگری و ۳ واکنش

ادامه از صفحه اول

پرونده اشاره‌شده او را بررسی کردیم. واگذاری اموال با روال کاملا قانونی انجام گرفته بود. با کنار هم نهادن این سه واکنش و حتی ده‌ها واکنش دیگر، مشاهده می‌شود که هیچ پاسخ محکمه‌پسندی به ادعاهای عباس پالیزدار داده نمی‌شود. در این باب توجه به نکات زیر خالی از لطف نیست:

۱ - اینکه فردی در پاسخ اتهام مال‌اندوزی بگوید هیچ دارایی قابل اعتنایی ندارد، نمی‌تواند سندی برای برائت او باشد؛ زیرا معمولا در چنین موقعیت‌هایی اموال مکتسبه به نام نزدیکان و معتمدان فرد منتقل می‌شوند. پس باید دید دارایی فرد مد نظر و نزدیکانش چقدر است و در طول ۴۰ سال گذشته با چه سرعتی افزایش یافته است.

۲ - سنت ناپسندی در جامعه ما شکل گرفته که برخی افراد متنفذ از پوشش مؤسسه خیریه برای کسب موقعیت مادی استفاده می‌کنند. به‌این‌ترتیب ممکن است فردی خاص واقعا صاحب دارایی نباشد، اما تولیت یک مؤسسه خیریه را در اختیار داشته باشد که قدرت مالی عظیمی را به او هدیه می‌کند و حداقل آینده شغلی فرزندان و اعقاب او را تا ۱۰ نسل بعد تضمین می‌کند. یعنی او بدون اینکه حتی یک برگ سهام عدالت یا سهام بی‌عدالتی داشته باشد، در موقعیتی رشک‌برانگیز در مقایسه با بقیه شهروندان قرار می‌گیرد که همواره نگران آینده شغلی و تأمین مالی فرزندان‌شان هستند. به بیان دیگر در کشور ما برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر دو تعریف برای واژه دارایی وجود دارد که اولی را تعریف مرسوم و دومی را تعریف واقع‌بینانه باید نامید. ازاین‌رو صرف اینکه فردی با توجه به تعریف مرسوم مالک دارایی درخور توجهی نیست کفایت نمی‌کند، بلکه باید دید براساس تعریف واقع‌بینانه چه میزان دارایی در اختیار دارد.

۳ - حامیان مرحوم آیت‌الله یزدی به‌جای پرداختن به موارد ادعایی عباس پالیزدار و اثبات بی‌پایگی ادعاها، او را متهم به تندرو و افراطی‌بودن، شهرت‌طلبی، باج‌گیری و بی‌صداقتی کرده‌اند. آنان به بیان دیگر به‌جای متمرکزشدن به ما قال (آنچه گفته شده)، به من قال (آن کسی که این سخن را گفته) پرداخته‌اند و حتی اگر تمام این اتهامات انکارناپذیر باشد، هنوز این پرسش باقی است که آیا ادعایی مانند دستور واریز وجه به حساب شخصی صحت داشته است یا نه. با بررسی ماجرای مصاحبه اشاره‌شده و پس‌لرزه‌هایش می‌توان با نگاهی آسیب‌شناسانه، به وجود کاستی سرنوشت‌سازی در سپهر سیاسی-اداری کشور پی برد. مبارزه با فساد و حذف تمام مظاهر آن از نظام اداری کشور از دید برخی جریان‌های سیاسی قدرتمند چندان اهمیتی ندارد. گویی از دید آنان فقط کافی است درباره آن صحبتی، چه درست و چه نادرست، به میان نیاید.

۴- بحث درباره ادعای طی روال قانونی در واگذاری‌ها از حوصله این یادداشت خارج است و باید منتظر ارائه گزارش‌های روشنگرانه نهادهای ناظر بمانیم. نگارنده درباره درستی یا نادرستی اتهاماتی که علیه اشخاص سرشناس مطرح شده قضاوتی نمی‌کند؛ زیرا اطلاعات لازم برای راستی‌آزمایی این ادعاها را در اختیار ندارد. اما بی‌تردید حتی اگر احتمال ضعیفی بدهیم که فقط یک مورد درست باشد، وظیفه سنگینی بر دوش نهادهای نظارتی قرار گرفته است که با بررسی تک‌تک ادعاها گزارش‌های روشنگرانه و صریح برای اقناع افکار عمومی ارائه دهند.

یادداشت

زنگ‌ها برای که به صدا درمی‌آیند؟

ادامه از صفحه اول

۷-بی‌ثباتی

هنگامی که بی‌ثباتی، ناآرامی‌های مدنی یا خطر جنگ وجود دارد، خشونت معمولا افزایش می‌یابد؛ زیرا گروه‌های مختلف برای قدرت، منابع یا بقا می‌جنگند. در چنین شرایطی، قتل، تجاوز و دیگر اعمال خشونت‌آمیز ممکن است به دلیل احساس نیاز به حفاظت از خود یا منافع فردی رخ دهد.

۸-ضعف در اجرای قانون

زمانی که سیستم‌های اجرائی و مدیریتی ضعیف، ناکارآمد یا فاسد باشند، مجرمان ممکن است بدون ترس از مجازات به اعمال خود ادامه دهند که این موضوع باعث تشدید خشونت می‌شود. درعین‌حال بعضی قوانین در ایران خود منجر به فرودستی زنان می‌شود؛ مثل اجازه اشتغال از سوی همسر یا خروج از کشور.

۹-عوامل روان‌شناختی

افراد ممکن است به دلیل مشکلات روان‌شناختی، مانند کینه‌توزی و به دنبال انتقام بودن، مدیریت‌نکردن خشم سرخوردگی و استیصال، دست به خشونت بزنند. این عوامل می‌توانند فرد را مستعد رفتارهای خشونت‌آمیز کنند. افرادی که تجارب سختی داشته‌اند و به‌ویژه در دوران کودکی مورد آزار و اذیت قرار گرفته باشند، احتمال بیشتری دارد که در دوران بزرگسالی رفتارهای خشونت‌آمیز از خود بروز دهند. درعین‌حال همان‌طور که گفته شد، ارتباط بین عوامل مطرح‌شده می‌تواند به تشدید این وضعیت بینجامد. به طور مثال شخصی که خود از تروماهای مختلف رنج می‌برد، به عنوان یک آتش به اختیار عمل کند.

۱۰-ترویج خشونت در رسانه‌ها

در تحقیقات مختلف عادی‌سازی خشونت از طریق رسانه‌ها، از جمله فیلم‌ها، تلویزیون، بازی‌های ویدئویی و اخبار، نشان داده شده است که می‌تواند افراد، به‌ویژه جوانان را به خشونت متمایل کند. این مواجهه گاهی به تقلید از خشونت یا به کاهش درک عواقب آن منتهی می‌شود.

۱۱-نبود آموزش و آگاهی

آموزش ناکافی، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند تفکر انتقادی، حل تعارض و کنترل هیجانات می‌تواند به افزایش خشونت منجر شود. بدون دسترسی به آموزش کیفی یا فرصت‌های شغلی، افراد ممکن است تنها راه‌حل را در اعمال خشونت ببینند.

۱۲-اعتیاد

اعتیاد به الکل یا مواد مخدر اغلب به قضاوت ضعیف، کاهش خودکنترلی و افزایش پرخاشگری منجر می‌شود که می‌تواند احتمال وقوع اعمال خشونت‌آمیز، از جمله قتل و تجاوز جنسی را افزایش دهد.

نتیجه‌گیری

افزایش خشونت در یک جامعه به‌ندرت به یک علت خاص نسبت داده می‌شود، بلکه معمولا ترکیبی از عوامل مختلف با یکدیگر دارد.

مقابله با خشونت نیازمند مداخلات چندجانبه است که شامل عزم مسئولان برای مقابله با خشونت، تقویت حاکمیت قانون، بهبود شبکه‌های اجتماعی، ارائه آموزش و حمایت‌های روانی از طریق رسانه‌ها و نهادهای آموزشی، ترویج برابری جنسیتی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی است.

کارت خودرو پژو ۲۰۶ مشکی مدل ۱۳۹۱
به شماره پلاک: ۷۶ ص ۶۷۷ ایران ۸۸
شماره شاسی: NAAP۰۳ED۲CJ۵۶۹۱۴۵
و شماره موتور ۱۴۱۹۰۰۸۹۹۶۷ به نام سیدعلی اکبر رجایی با کدملی ۵۶۴۹۹۲۹۰۹۲ در تاریخ ۱۴۰۳/۹/۱ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

شرکت فردا دیزل موتور
واقع در گمرک منطقه ویژه سلفچگان جهت فروش ضایعات چوب در حجم بالا آماده همکاری با شرایط ویژه نیز می باشد.
از علاقه مندان به این امور جهت بازدید همه روزه دعوت به عمل می آید.
قم سلفچگان منطقه ویژه اقتصادی گمرک خیابان استاندارد
۰۹۳۶۵۸۲۰۳۴ ناصری

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب **مرتضی فراشی** فرزند عبدالله به کدملی ۰۰۱۱۶۶۹۰۹۸ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مکانیک حرارت و سیالات صادره از واحد دانشگاهی یادگار امام خمینی (ره) با شماره ۱۳۹۲۱۳۹۰۲۰۵۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به صندوق پستی ۱۴۴/۱۸۱۵۵ دانشگاه آزاد واحد یادگار امام خمینی (ره) ارسال نمائید.

برگ سبز **خودرو رانا پلاس** رنگ سفید مدل ۱۴۰۳ به شماره پلاک ۶۷۴ ق ۹۴ ایران ۶۱ و شماره موتور 172B0230262 و شماره شاسی RDE60112 به نام **ژیلان مرادیان** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز رنو PK مشکی متالیک مدل ۱۳۸۱ به شماره پلاک ۹۴ ق ۸۲۸ ایران ۳۸
شماره شاسی: PSW۶۸F۰۰۰۰۸۰۶
و شماره موتور: M۱۱۱۰۰۸۹۳
به نام زهرا فرخی کهنه رودپشت به وکالت رضا امینی با کدملی ۰۳۲۳۶۳۶۳۲۲ در تاریخ ۱/۸/۱۴۰۲ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز **خودرو پژو 207i-TU5** رنگ سفید مدل ۱۴۰۳ به شماره پلاک ایران ۲۲ - ۱۲۸ م ۹۳ و شماره موتور 172B0225438 و شماره شاسی NAAR03HFFRDE46167 به نام **منیره زنگانه** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

فراخوان ثبت نام کاندیداهای انتخابات هیات مدیره و بازرس انجمن علمی شنوایی شناسی ایران به شماره ثبت ۱۹۸۰۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۲۵۴۵۴
احتراما به اطلاع تمامی اعضای محترم پیوسته انجمن شنوایی شناسی ایران می رساند با توجه به عدم برگزاری انتخابات الکترونیک هیات مدیره و بازرس جدید انجمن در روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۳/۸/۱۰ بعلت انصراف تعدادی از کاندیداهای هیات مدیره و موکول شدن برگزاری آن به ماه های پیش رو، از اعضای محترم پیوسته که متقاضی کاندیداتوری هیات مدیره و بازرس انجمن می باشند دعوت به عمل می آید تا فرم های لازم جهت ثبت نام را که به ایشان ایمیل گردیده و قابل دسترسی در وب سایت انجمن به آدرس: https://iranaudiology.ir نیز می باشد را ضمن تکمیل به همراه سایر مدارک درخواستی، از روز دوشنبه ۱۴۰۳/۹/۰۵ لغایت روز شنبه ۱۴۰۳/۹/۲۴ به دبیرخانه انجمن به آدرس: info@iranaudiology.ir ارسال فرمایند.
هیات مدیره و کمیته انتخابات انجمن علمی شنوایی شناسی ایران

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۷۲۸۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم اکبر گل زار فرزند مهدی بشماره شناسنامه ۱۳۸۹ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۱۸۵/۳۱ مترمربع پلاک ۴۸۷ فرعی از ۲۳ اصلی بخش ۱۰ واقع در لامیزده خریداری از مالک رسمی آقای اصغر صفایی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م.الف. ۱۸۲۳۰۴۱
تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹
تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۳/۰۹/۰۴
مهدی آزاد - رئیس ثبت اسناد و املاک ۷۰۸۳